

فیلسوف ارغوانی؛ زندگی، اندیشه‌ها و نوشته‌های فروریوس

مهدی عظیمی*

چکیده

«فروریوس» بمعنای «ارغوانی» نام یکی از برجسته‌ترین نمایندگان فلسفه نوافلاطونی است که هم خودش و هم مکتبش تأثیر انکارناپذیری بر فلسفه اسلامی داشته‌اند. آموزه کلی‌های پنجگانه او بصورت موشکافانه‌تر و گسترش یافته‌تر در مدخل همه منطق‌نوشته‌های دوره اسلامی نشست. نظریه او در باب اتحاد عاقل و معقول، نخست از سوی ابن‌سینا فرو نهاده شد و سپس ملاصدرا آن را پذیرفت و برکشید. خداگون شدن بمثابة غایت اخلاق آموزه‌ی است که فروریوس از استادش فلوپین برگرفته بود و از سوی اندیشمندان مسلمان قبول عام یافت. رنگ و بویی از تناسخ‌باوری فروریوس را در پاره‌ی از سخنان فارابی و ابن‌سینا میتوان رصد کرد؛ گرچه آن دو منکر تناسخ‌باوری یونانی بودند. فروریوس منطق را در صدر نظام آموزشی مکتب نوافلاطونی نشانده که این نیز در اهتمام نوافلاطونیان مسلمان به منطق بی‌اثر نبوده است. او معتقد به هم‌رایی بنیادین افلاطون و ارسطو و جاودان‌خرد بود که هر دو تأثیر آشکاری بویژه بر فارابی داشته‌اند.

۹

* استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران؛ mahdiazimi@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۸ تاریخ تأیید: جلسه هیئت تحریریه ۹۴/۳/۱۲



کلیدواژه‌ها: فروریوس، فلسفه نوافلاطونی، فلوطین

* * *

بیان مسائل و فرضیات

تردیدی نیست که فلسفه نوافلاطونی اثرگذاری چشمگیری بر فلسفه اسلامی داشته است. مسئله کلیدی جستار پیش رو این است که فروریوس، بعنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فلسفه نوافلاطونی که نقش پررنگی در تثبیت و توسعه آن بازی کرده، چه تأثیری بر آراء و اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان داشته است. فرضیه ما این است که تأثیر وی را دست‌کم در سه قلمرو میتوان رصد نمود: در قلمرو منطق، آموزه کلی‌های پنجگانه او سرآغاز راهی بود که منطقدانان مسلمان آن را تا غایت پیمودند. همچنین جایگاه مهمی که او به منطق در نظام آموزشی مکتب نوافلاطونی بخشید بر اهتمام مسلمانان به منطق اثرگذار بود. در قلمرو فلسفه، نظریه وی در باب اتحاد عاقل و معقول، نخست با بی‌مهری ابن‌سینا و پیروان او روبرو شد، اما از سوی ملاصدرا بازسازی و احیا گردید. فیلسوفان مسلمان نیز اگرچه تناسخ‌باور نبودند، نشانه‌هایی از تناسخ‌باوری فروریوس را میتوان در اندیشه‌های آنان مشاهده نمود. باور به جاودان‌خرد و گرایش به جمع آراء متخالف فیلسوفان باستان (بوژه افلاطون و ارسطو) نیز یکی دیگر از موارد فروریوس برای فیلسوفان اسلامی است که میتواند آموزه‌ی در قلمرو «فرافلسفه»^۱ بشمار آید. فروریوس در قلمرو اخلاق، نیز بر اندیشمندان مسلمان تأثیر داشت. خداگون شدن بمثابه غایت اخلاق، آموزه‌ی است که وی از استادش، فلوطین گرفته بود و از سوی اندیشمندان مسلمان قبول عام یافت. باری پیش از تلاش برای اثبات این فرضیه‌ها، بجاست اندکی با زندگی فروریوس آشنا شویم.

۱. زندگی فروریوس

حوالی سال ۲۳۴ م. در شهر ساحلی صور^(۱) واقع در جنوب فینیقیه^(۲)، از پدر و مادری سوری پسری زاده شد که مالخوس (مالکوس)^(۳) نام گرفت. مالخوس سالهای کودکی و نوجوانی را صرف گسترش دانش عمومی خود، فراگیری زبانهای

1. meta-philosophy
2. Malkhus (Malcus)

